

چهره‌های محبوب کشور مان در گفت‌وگو با زندگی‌سلام از خاطرات شیرین بلندترین شب سال می‌گویند

## شاد و شیرین مثل یلدا!

بچه که بودیم، بعضی روزها و شب‌ها، رنگ و بوی متفاوتی داشت. یک مناسبت، یک قرارداد، یک رسم یا آیین مثل شب یلدا، چهارشنبه‌سوری، لحظه تحویل سال یا سیزده‌به‌در، می‌توانست شب و روزهای معمولی‌مان را متفاوت و رنگی کند. هر کدام از این مناسبت‌ها، بهانه‌ای بود برای جمع شدن فامیل دور هم، در خانه یکی از عموها و خاله‌ها، در حیاط نقلی خانه مادر بزرگ یا در پارک محله. همه انگار منتظر یک بهانه بودند تا گوشی تلفن را بردارند و همدیگر را خبر کنند؛ خانم‌ها با کمک هم، یک ناهار یا شام ساده و خودمانی تدارک ببینند و آقایان خریدها را انجام دهند و دور هم گپ بزنند؛ ما بچه‌ها هم که غرق بازی و خنده بودیم. یادش بخیر دست‌های پرمهر عمو، شوخی‌های خنده‌دار دایی، شال خوشبوی مادر بزرگ و نگاه‌های پرمهر عمو. یادش بخیر عکس‌های دسته‌جمعی، پذیرایی‌های ساده و دیدارهای خودمانی. بله! زمان زیادی گذشته و بزرگ و گرفتار شده‌ایم اما هنوز بچه‌هایمان و حتی کودک درون خودمان، نیاز دارد به این محبت‌های بی چشمداشت، به بوسیدن دست بزرگ ترها، به والیبال‌ها و وسطی‌های فامیلی، به لبخند زدن و خدا را بابت داشتن خانواده و فامیلی مهربان، شکر کردن. امشب، شب یلداست. و به مناسبت این جشن ایرانی، چهره‌های محبوب مردم در گفت‌وگو با زندگی‌سلام از حال و هوا و خاطرات یلدایی‌شان حرف زدند. با ما همراه باشید.

### یلدا به سبک رادیو هفتی که نیست



پیش خودم فکر می‌کردم اگر هنوز «رادیو هفت» محبوب پخش می‌شد، امسال رادیو هفتی‌ها برای شب یلدایمان چه برنامه ویژه‌ای تدارک می‌دیدند؟ راستش دلم تنگ شده که بلندترین شب سال را با موسیقی خوب و متن خوانی‌های پُر احساس و مهمان‌های دوست‌داشتنی سپری کنم. می‌دانم که خیلی‌های دیگر هم، چنین احساسی دارند. برای همین با منصور ضابطیان (کارگردان و مجری رادیو هفت) تماس گرفتم تا باز به سلیقه‌اش اعتماد کنیم و با پیشنهادهایش، یلدای ویژه‌تری داشته باشیم که گفت: «پیشنهادم این است که تنها نمانید. حتی اگر کسی تنهاست برود یک آدم تنهایی دیگر را پیدا کند و با هم شب یلدایشان را بگذرانند. اگر هم تنها نیست، کنار خانواده باشد و کار و گرفتاری را بهانه نکند. شب یلدا، شب تنها ماندن نیست. جذابیت یلدا به این است که همین یک شب است و اگر تکراری شود دیگر لطفی ندارد. اما نکته خوشحال‌کننده این است که مردم در چند سال اخیر، توجه ویژه‌ای به شب یلدا دارند. در دانشگاه‌ها، موسسات، هتل‌ها، کافه‌ها و خیلی جا‌های دیگر مراسم یلدا برگزار می‌شود و این یعنی آیین‌های ملی ما دارد جایگاه خودش را پیدا می‌کند و شب یلدا‌های این سال‌ها هم خیلی جذاب و دوست‌داشتنی است. خوب البته طبیعی است که شبیه یلدا‌های قدیم نباشد، چون هیچ چیزی شبیه گذشته نیست. ولی لازم نیست برای هر آنچه در گذشته بوده حسرت بخوریم، می‌توانیم از نو شروع کنیم و خیلی چیزها را احیا کنیم. ما رادیو هفتی‌ها هم، مشغول تولید یادگستی هستیم که روز سی‌ام آذر در فضای مجازی منتشر می‌شود. این یادگست را می‌توانید از طریق کانال تلگرامی رادیو هفت و کانال‌های دیگر بشنوید. منتها غیر از آن یادگست، این بیت حافظ را به زندگی‌سلامی‌های عزیز و محترم تقدیم می‌کنم: «گویند سنگ لعل شود در مقام صبر / آری شود و لیک به خون جگر شود!»

### همیشه توی بغل خداوند هستیم



تلفن دو سه باری بیشتر بوق نمی‌خورد که صدای دلنشینی از آن طرف خط می‌گوید: «سلام. جونم؟». دلم غنچ می‌رود برای مهربانی این آدم. برای ادب و تواضع آفرین عیسی، این مادر دوست‌داشتنی سینما و تلویزیون. اصلاً دلم می‌خواهد ساعت‌ها گوشی تلفن را کنار صورتم نگه دارم و با نوعی عیبی از یلدا بگویم، از قدیم‌ترها، از الان که همه چیز خوب است اما بهتر هم می‌تواند باشد، بهتر هم می‌توانیم باشیم، مهربان‌تر مثلاً عیسی می‌گوید: «قدیم‌ها که خب خانواده‌ها بیشتر دور هم بودند. رواقع نقشه و ساختمان خانه‌ها هم این‌طور ایجاب می‌کرد که آدم‌ها بیشتر کنار هم باشند. خلاصه که آن حال و هوا دور هم بودن‌ها و به هم کمک کردن‌ها خیلی خوب بود. در یلدا‌های کودکی من، پدر و مادر شعر می‌خواندند. من هم بعدها که تشکیل خانواده دادم (۱۸-۱۷ سالگی از دواج کردم) تا وقتی بچه‌ها کوچک‌تر بودند، همین رسم را ادامه دادم. در مناسبت‌هایی مثل یلدا، مهم این است که خانواده‌ها کنار هم باشند. دختر و پسرهایی که از دواج کرده‌اند و مستقل شده‌اند به پدر و مادرشان سر بزنند. دیگر چه بخوریم و چه چیزی سر سفره یلدا باشد، خیلی مهم نیست به نظر من. من راستش از یلدا‌های زندگی‌ام، خاطره خاصی ندارم. اما از خدایم خواهم امسال شب یلدا، جوان‌ها را طور دیگری نگاه کند. خداوند البته همیشه نگاه می‌کند و همه را هم نگاه می‌کند. منظورم این است که جوان‌ها نگاهشان به کمک خدا متفاوت شود. و اگر نه ما که همیشه توی بغل خدا هستیم و اصلاً جای دیگری نداریم! و در پایان، اگر بخوایم شعری به مخاطبان زندگی‌سلام هدیه کنیم، این بیت از غزلیات شمس است: جان من و جانان من، کفر من و ایمان من / سلطان سلطانات من، چیزی بده درویش را!»

### فلسفه یلدا برای کوچک ترها



یک هنرمند بسیار خوش اخلاق و دوست‌داشتنی؛ بازیگر زنی که نقش‌های شیرین سریال‌های طنز را با سادگی و صمیمیت ذاتی‌اش چنان ایفا می‌کند که محال است به دل نشینند. مرجانه گلچین، مادر متفاوت سریال‌های تلویزیونی این سال‌ها در گفت‌وگو با زندگی‌سلام از یلدا‌های کودکی و مفهوم یلدا می‌گوید: «در خانواده ما شب یلدا، در واقع قرار می‌بود برای مهمانی کل فامیل. به خصوص در سال‌های ابتدای انقلاب که نایاب بودن نفت، بهانه و فرصتی بود برای استفاده از کرسی. و درست مثل فیلم‌ها، مادر بزرگ بالای کرسی می‌نشست و ما بچه‌ها دورش حلقه می‌زدیم و برایمان قصه می‌گفت؛ قصه‌های شاهنامه: نبرد سیاوش، دلدادگی بیژن و منیژه، دلاوری‌های رستم و سهراب و همه داستان‌های زیبایی که هم جذابیت شنیداری داشت و هم پیام اخلاقی. درست است که این روزها، متأسفانه مشغله‌های زندگی روزمره کمتر اجازه می‌دهد دور هم جمع شویم اما از آنجا که همچنان این سنت برایمان قابل احترام است، پیشنهاد می‌کنم حداقل یک شب در سال ولو به شکل محدود و مختصر، به این باهم بودن‌ها احترام بگذاریم. این روزها خانواده و فامیل‌های بزرگ به شکل قبل، دیگر وجود ندارد. بزرگ‌ترها از دنیا رفته‌اند و کوچک‌ترها مهاجرت کرده‌اند و فامیل‌ها جمع و جور شده‌اند. اما حتی اگر شده دوفره و سه‌فره و چند نفره، دور هم جمع بشویم، از این شب که شب آشتی و دید و بازدید و دلجویی است غافل نشویم. ما باید از این مناسبت‌ها که بهانه‌ای برای محبت است، حمایت کنیم و رسم و رسوم ملی‌مان را به بچه‌ها و نوه‌ها یاد بدهیم، همان‌طور که مادرها و مادر بزرگ‌هایمان به ما یاد دادند. باید با حوصله، فلسفه و حکمت این شب را که بلندترین و سیاه‌ترین شب سال است برای کوچک‌ترها توضیح بدهیم؛ باید بگوییم هیچ شیئی نیست که سحر نشود، هیچ سرمایی نیست که به گرم‌مان منتهی نشود، هیچ سختی نیست که آسان نشود و نباید امیدمان را از دست بدهیم.»

#### ■ در صفحه سلامت

دیگر چهره‌های محبوب کشورمان با ما از بلندترین شب سال می‌گویند و با خوراکی خوب یلدایی هم آشنا شوید

#### ■ در صفحه مشاوره

پای حرف‌های شیرین محمد صالح علا در باره یلدا، آخرین شب پاییز باشید

#### ■ و در صفحه همشهری سلام

یک کمیک استریپ با مزه یلدایی ببینید و کلی شعر و متن طنز بخوانید

#### ■ و در کانال زندگی‌سلام @zendegisalam

صوت گفت و گوهای یلدایی با ما چهره‌ها را همراه با غافلگیری‌های جالب محمد صالح علا و حامد محضر نیا ببینید و بشنوید و لذت ببرید

### شب‌نشینی به صرف خنده و شیطنت



نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس، بازیگر و کم‌دین شوخ و شیرینی که با مجموعه خندوانه، شناخته و محبوب شد: علی مسعودی! مسعودی که امسال، اولین یلدای متاهلی و زندگی مشترکش را تجربه می‌کند، در پاسخ به این سوال که ماندگارترین تصویر ذهنی‌اش از شب یلدا چیست؟ می‌خندد که: «خوردن خوراکی‌های خوشمزه!» و ادامه می‌دهد: «بچه که بودیم، شب یلدا تنها شبی بود که از آد بودیم نخوابیم و با وجود اینکه شب‌های دیگر از حدود ساعت ۸ و ۹ باید می‌خوابیدیم، کل فامیل در خانه یک بزرگ‌تر جمع می‌شدیم و تا نصف شب دور هم بودیم. بزرگ‌ترها مشغول گپ و گفت خودشان بودند و کسی به ما بچه‌ها کاری نداشت و ما هم هر آتشی که دلمان می‌خواست می‌سوزانیدیم!»

### وای فای منزل را خاموش نکنید!



مجید خسروانچم، کاریکاتورپست محبوب، در باره شب یلدا و به درخواست ما زندگی‌سلامی‌ها می‌نویسد: «شاید باور ن‌تان نشود. ولی در نزدیکی بنده کسانی زندگی می‌کنند که راحت غیبت می‌کنند و تهمت می‌زنند و برای این «زشت‌کاری»، توجیه هم دارند، زیاده. اوایل که عرض می‌کردم غیبت نکنید، می‌فرمودند: «توروش هم می‌گیم. غیبت نیست». بعدتر می‌فرمودند: «صفتش، غیبت نیست». چندی بعد می‌فرمودند: «چیز بدی نگفتم که»، مدتی بعد می‌فرمودند: «ولمون کن بابا»، جدیداً هم می‌فرمایند که: «آره بابا تو خوبی! تو خودت هزار هزار تا ایراد داری، اون وقت افتادی به تذکر دادن به ما؟ بدمون میاد از آدمایی مثل تو که خیال می‌کنن فقط خودشون خوب!» می‌دانم که حساسی تعجب کردید. می‌دانم که سخته باور اینکه همچین آدم‌هایی در اطراف بنده زندگی می‌کنند. ولی باور بفرمایید که راست می‌گویم. آدم‌هایی در کنار بنده هستند که نمی‌دانند غیبت و تهمت چه بر سر زندگی خودشان و دیگران می‌آورد. آدم‌هایی هستند که روحشان را هر روز و هر شب با این ناهنجاری رفتاری و گفتاری خراش می‌دهند. آدم‌هایی هستند که برکت را از زندگی‌شان فراری می‌دهند یا این جنایت زبانی، آدم‌هایی که نمی‌فهمند آبروی یک انسان چه حرمتی دارد. شب یلدا اگر خواستید غیبت کنید دور هم، وای فای منزل را روشن کنید و در شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های پیام‌رسان بچرخید. این طوری، روح و قلبتان کمتر آسیب می‌بیند. از بنده گفتن.»

### یلدا دور از هیاهوی شهر



پروانه معصومی، بازیگری که همواره ایفاگر نقش‌های آرام و معصوم سینما و تلویزیون ایران بوده و هست، با خوشرویی و محبت و مهربانی، پاسخگوی سوالات ما زندگی‌سلامی‌ها می‌شود: «شب چله برای من هم مثل همه ایرانی‌ها، تداعی‌کننده خاطراتی زیباست. در کودکی به این دلیل که پدر و مادرم از بزرگ‌ترهای خانواده بودند، شب‌های یلدا همه فامیل در منزل ما جمع می‌شدند. ولی این سال‌ها که خودم مادر شده‌ام، شب‌های یلدا مثل همه مردم، با بچه‌ها دور هم می‌نشینیم و میوه و آجیل می‌خوریم و من هم اگر حوصله‌ای باشد، سبزی‌پلو با ماهی می‌پزم. راستش من تهران نیستم و در روستایی در نزدیکی صومعه‌سرا زندگی می‌کنم و در این‌جا، شور و شوق و هیجانی که مردم برای برپا کردن هر چه بهتر مراسم شب یلدا دارند، از قدیم خیلی بیشتر است. شب یلدای امسال البته جای پدر و مادر و خواهر بزرگم پیش من خالی است و من در این شب دلتنگ آن‌ها خواهم بود.»